

بانوان محله گاز، روش‌های اصلاح الگوی مصرف آب را آموختند

دوره‌ای برای تغییر، نه فقط آموزش

۳



عیدگاه

از آب شست و شوی میوه و سبزی برای آبیاری باغچه‌ها و گل‌دان‌ها. شرکت‌کنندگان، اکنون با سپری کردن این دوره ۷۵ دقیقه‌ای می‌دانند که به چنین آبی، آب خاکستری گفته می‌شود.

● قدمی برای دغدغه‌های رهبر شهید

خداقوت می‌خواهد برگزاری کارگاه و دادن پاسخ‌های محکم به سوالات پرشمار بانوانی که به جدید بودن موضوع، معترف هستند. سحر رضوانی که در همین محله رشد کرده است، حس و حال خانم‌های هم‌محله‌ای خود را از مواجهه با آمارها و تصاویر ارائه شده در کلاس درک می‌کند. متولد ۷۳ است و دانش آموخته رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه فردوسی مشهد. او اجرای ورودش به این عرصه را این‌طور بازگو می‌کند: بد مصرفی آب و برق و گاز را می‌دیدم اما علم و بیان لازم را برای مجاب کردن دیگران نداشتم. دو سال پیش وقتی بسیج جامعه زنان، فراخوان برگزاری دوره بیست و یک ساعته با مشارکت آبفا، شرکت برق و سازمان مدیریت پسماند شهرداری را داد، داوطلب شدم. با اینکه شرایط مساعدی نداشتم و فرزند دومم را باردار بودم.

تأکیدهای رهبر شهید برای پرهیز از اسراف آب و انرژی راه یادم آورد و آرام است از اینکه توانسته قدمی در این مسیر بردارد. او به جلسات بعدی دوره برای خانم‌های محله، با موضوع الگوی مصرف برق و مدیریت پسماند اشاره می‌کند، با ابراز امیدواری برای اینکه دیگر مساجد منطقه هم برای برپایی آن آگاه‌سازی اهالی، از طریق نواحی بسیج اعلام آمادگی کنند.

منزل، پیاده‌رو و خودرو با آب شرب فراوان. میهن دوستی و اعتقادات مذهبی خانم‌های، در باطن به این قبیل رفتارها، نه می‌گفت و همین انگیزه درونی باعث شد جزو درخواست‌کنندگان برگزاری دوره یاد شده از سوی پایگاه بسیج خواهران اسما باشد.

● راهکارهای تازه برای نجات آب

راهکارهایی که مدرس دوره برای کاهش مصرف آب در بخش خانگی بیان می‌کند، مدیریت خانمانه می‌خواهد. پرکردن یک بطری آب معدنی از شن و گذاشتن آن در محفظه فلاش تانک برای کاستن از حجم مخزن، یک نمونه‌اش. منازل ویلایی و باغچه‌های سرسبزی که در محله گاز به فراوانی یافت می‌شود، باعث جذابیت دوچندان برخی راهکارها برای بانوان محله شده است؛ مثل اهمیت استفاده

شاهت اهلناک است تماشای تصویر فروچاله‌ای که چندین برابر قد انسان، عمق دارد. حتی تصور اینکه چنین فرونشستی زیر پای یک مجتمع مسکونی یا مدرسه رخ دهد نیز موبه‌تن راست می‌کند. بانوان محله گاز که در مسجد امیرالمؤمنین^(ع) به پرده نمایشگر چشم دوخته‌اند و تبعات بحران آب در یکی از استان‌های غربی و نیز شهرستان هم جوار مشهد را در سکوت و حیرت، تماشا می‌کنند، هرگز با واقعیتی فراگیر و تلخ، این‌طور رو در رو نشده بودند. آن‌ها می‌گویند پس از برگزاری این دوره، دیگر شبیه قبل رفتار نخواهند کرد.

● برای تمام شدن اسراف‌ها

شخصت نفر، نه یکی زیادتر و نه یکی کمتر. این، تعداد بانوانی است که از استراحت عصرگاهی خود چشم پوشیده‌اند تا در دوره اصلاح الگوی مصرف شرکت کنند. دغدغه دارند و می‌خواهند در شرایط خاکستری جنگ، به کشور کمک کنند. با این حال اذعان دارند آنچه تاکنون از بحران آب می‌دانستند، نسبت به واقعیت‌های این بحران، هیچ بوده است؛ «واقعا نمی‌دانستیم. دل خوش بودم با چند برف زمستان پارسال و رگبارهای بهاری، حال منابع آبیان خوب است. چه خیال باطلی!» این‌ها راسمیه شاهی می‌گوید؛ بانویی که از دست‌اندرکاران برگزاری دوره است اما فکرش را نمی‌کرد مطالب تا این حد ضروری و کاربردی باشد.

این بانوی ساکن محله گاز از اسراف‌هایی می‌گوید که پیش از این، گه‌گدار بین همسایه‌ها دیده بود، مثل شستن حیاط



می‌رسی؟

با برنامه ریزی. مثلاً وقت‌هایی که شیفیت عصر بودم، بلافاصله بعد از مدرسه، لباس عوض می‌کردم و می‌رفتم باشگاه. یادم است یک بار وقتی رسیدم خانه، آن قدر خسته بودم که دیگر لباس‌های باشگاهم را عوض نکردم و خوابیدم تا صبح فردا. درس‌هایم را هم صبح تا ظهر می‌خواندم.

● چه چیز کاراته را آن قدر دوست داری که

حاضری به خاطرش این خستگی‌ها را تحمل کنی؟

خوبی‌های زیادی دارد. یکی از فایده‌هایش برای من این بود که اعتماد به نفسم را برد بالا. من قبل از کاراته، یک حنانه دیگر بودم؛ بدون اعتماد به نفس، کم‌رو و خجالتی. شخصیتی که الان دارم، به خاطر ورزش است و مسابقاتی که شرکت کردم و رتبه آوردم.

● با این حساب بنا نداری این رشته را رها کنی.

نه. اصلاً. تا آخرش می‌روم و بیک مربی خوب می‌شوم مثل مربی خودم خانم صادقی که مشوق من است. پدر و مادرم هم هوایم را دارند و اگر ببینند کم‌انگیزه شده‌ام، من را وادار به ادامه دادن می‌کنند. معلم‌های خوبم در مدرسه حداد نیز همین‌طور.

● برای آینده درسی‌ات برنامه‌ای داری؟

امسال درس‌هایم کمی افت کرد. تصمیم دارم حتماً کاهش معدل در ترم قبل را جبران کنم. می‌خواهم موقع انتخاب رشته، بروم هنرستان و طراحی دوخت بخوانم و همین‌رشته را ادامه بدهم تا یک طراح حرفه‌ای شوم.

● ولی طراحی دوخت، دنیای متفاوتی با کاراته دارد!

هر دو یک جور هنر هستند و من خیلی دوستشان دارم. از وقتی کوچک بودم، انواع لباس را خوب نقاشی می‌کشیدم و الان هم این موضوع برایم جذاب است.

نوجوان محله ایثار از تأثیر ورزش بر اعتماد به نفسش می‌گوید

یک حنانه دیگر شدم



امید محله

بوکس، بدن‌سازی و تکواندو ثبت نام کردند.

● از افتخاراتی که به دست آوردی، بگو.

کمر بند بنفش دارم و تا الان ۱۰ مدال به دست آورده‌ام. پنج طلا، چهار نقره و یک برنز؛ مثل مقام دوم استان در بخش کاتا و قهرمان کشوری در بخش کومیتته در سال ۱۴۰۲. مدال نقره کاتای کشوری و طلای کومیتته کشوری در سال ۱۴۰۳.

● برنامه‌های تمرینت

چطور است؟

سه روز در هفته ساعت ۱۸ تا ۲۰ می‌روم به باشگاه. در ایام مدرسه‌ها مخصوصاً زمانی که مدرسه‌ها حضوری بود، برنامه فشرده و سنگینی بود.

● چطور به هر دو

فرزانه شهامت چهره‌اش پراز خنده می‌شود وقتی گذشته‌اش را بر ایمان مرور می‌کند و به یاد می‌آورد چقدر کم‌رو و کم‌حرف بود و بی دلیل از همه چیز خجالت می‌کشید. آنچه حنانه در همی، قهرمان کشوری و امید محله ایثار، از گذشته‌اش می‌گوید با دخترک شاد، امیدوار و با اعتماد به نفسی که رو به رویمان نشست است، از زمین تا آسمان، تفاوت دارد و او دلیل این رشد را در یک کلمه خلاصه می‌کند: «کاراته».

● از خودت بیشتر بگو.

متولد ۱۳۹۱ هستم. دانش آموز پایه هشتم مدرسه حداد در خیابان وحید ۱۶. تقریباً ده ساله بودم که با کاراته آشنا شدم.

● از طریق کلاس‌های تابستانی؟

بله. توی باشگاهی که ثبت نام کردم در خیابان مفتاح، با مربی ام، شیپان طیبیه صادقی، آشنا شدم. تابستان تمام شد، اما علاقه من به کاراته تمام نشد و تصمیم گرفتم ادامه بدهم.

● این هنر رزمی را از قبل

می‌شناختی؟

دختر خاله ام کاراته کار بود و گاهی تمرین‌های دونفره انجام داده بودیم.

● پس خانوادگی ورزشکار

هستید.

راستش نه، ورزشکار دیگری نداشتم. بعد از اینکه من جذب کاراته شدم و ورزش را با علاقه ادامه دادم، نوجوان‌های خانواده پدری هم در رشته‌های مختلف مثل



۴